

بنظر میرسد دسته گل جدیدی که جمهوری اسلامی در خاورمیانه برای منحرف کردن اذهان عمومی از مشکلات و معضلات داخلی و مسئله پُرورنده اتمی به بن بست رسیده اش بآب داده، این بار بیش از همه گریبان خود رژیم را گرفته باشد. رژیم ملایان این روزها یکی از بدترین زمانهای حکومت ۲۷ ساله اش را سپری میکند و در بحرانی غوطه ور شده است که نمیداند چگونه از آن رهائی یابد. دنیای شرق و غرب که تا دیروز حاضر بود بر سر مسائل مختلف با جمهوری اسلامی بر سر میز مذاکره بنشیند دیگر کاسه صبرش لبریز شده و با این بحران جدید در منطقه خاورمیانه می رود که بیک اتفاق و همدستی بی سابقه ای نزدیک شود. فراموش نکنیم که چنین اتحادی در گذشته نیز سابقه داشته است و اتحاد بین طرفهای ظاهرا غیر متجانس و حتی رقیب در بین قدرتهای جهانی حداقل در دو جنگ بین الملل، هنوز کاملاً از خاطره هامحو نشده است.

محمود احمدی نژاد، خشمگین از آنچه در منطقه و در سطح جهان در رویارویی با بحران خاور میانه میگذرد، در سفر اخیرش به تاجیکستان (برای هدیه تونل ناقابلی از جانب مردم ایران به مردم تاجیکستان!) یکبار دیگر و بر طبق معمول باز هم با توسل به تهدید و ارباب جهانیان سعی کرده است بخيال خود اذهان جهانی را تحت تاثیر قرار دهد. بدون شک استقبال بیسابقه جراید و مطبوعات جهان در این یکی دو سال و تکرار طوطی وار سخنان انسان کوچک مغزی که هدفی بجز بقای جمهوری اسلامی - بهر قیمتی - ندارد او را هر روز به ابتکارات جدیدتری برای تزیق ترس و ارباب به جهانیان تشویق کرده است. احمدی نژاد در سخنان خود در تاجیکستان گفته است " هر کسی باد بکارد بناچار توفان درو خواهد کرد. وقوع توفان در خاورمیانه نزدیک است و این طوفان دشمنان بشر را در بر خواهد گرفت و آنها را بشدت نابود خواهد کرد!" تصادفاً این جمهوری اسلامی است که در تمام این ۲۷ سال چیزی بجز باد نکاشته است و ناگزیر دیر یا زود "توفان" درو خواهد کرد. فقط کافی است مروری اجمالی بر کارنامه ۲۷ ساله این رژیم ضد بشری و آنچه را که بر سر مردم خویش آورده است داشته باشیم تا بعمق فاجعه و معنی "کاشتن باد" بی ببریم. جمهوری اسلامی با خشونت بروی کار آمد و با خشونت ۲۷ سال آنچه خواست بر سر مردم بی پناه و حقیقتاً بی دفاع ایران آورد اگر توفان درو نکند، عین بی عدالتی است.

در صحنه های بین المللی نیز جمهوری اسلامی هر آنچه توانست کرد، همه کسانی که کم و بیش به راه و روش و روحیه آخوندی و آخوند مسلکی آشنا هستند میدانستند که غائله " انرژي اتمی " باین سادگیها و وباین ملاقات و گفتگو های چندین ساله با اروپای حریص و شل کن سفت کنهای جمهوری اسلامی و قهر و آشتی هایش، حل شدنی نیست. کاملاً مشخص بود که برای هر قدم احتمالی غرب در رویارویی با رویای اتمی شدن ایران، جمهوری اسلامی نیز توطئه از پیش تدوین شده ای را در آستین دارد و دیدیم که این برنامه هارا یکی پس از دیگری چگونه بمرحله اجرا گذاشت. آن کرکری خوانیهای رئیس جمهور محبوب! به هیچوجه بدون علت نبود. جمهوری اسلامی اگر در یک چیز در همه این سالها موفق بوده است، تفرقه اندازی، برپائی آشوب و تشنج چه در پهنه داخلی و چه در صحنه بین المللی و ایجاد اختلاف بوده است.

جانشینی جمهوری اسلامی در عراق و افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر بجای صدام و طالبان، ایجاد تشنج مدام مخصوصاً در عراق و کشتارهای تمام نشدنی مردم بی گناه این کشور بدون اینکه مشخص بشود اینان چه کسانی هستند و این کشتارها از کجا سر چشمه میگیرد و بتوسط چه کسانی، زنده کردن دشمنیهای بین اهل سنت و شیعیان که برای قرنهای، از زمان صفویان به بعد بسیار تقلیل یافته بود، افزایش سرسام آور قیمت نفت و استفاده از ثروت بیکران کشور برای خریدن دوست و متحد از روسیه گرفته تا چین و ونزوئلا و کوبا و بسیاری از کشورهای فقیر آسیایی و افریقائی و همه گروههای تروریستی دنیا بدون هیچ مانع و رادعی - چه داخلی و چه خارجی - و صد البته بی برنامه بودن و ضعف سیاست امریکا در قبال ایران و دل بستن آمریکائیان به اتحادی نیم بند با اروپائینی که تا همین چندی پیش در هر فرصت و هر فرج و کور سوئی سعی میکردند راهی بدل دوست ببابند، جمهوری اسلامی را روز بروز جری تر کرد و زمان لازم را برای طرح توطئه هائی که عقل شیطان هم گهگاه بآنها نمی رسد، در اختیارش گذاشت.

از طرف دیگر حداقل از ۶ سال پیش، از زمانی که اسرائیل لبنان را ترک کرد، یعنی در زمانی که آقای خاتمی ریاست جمهوری ایران را بعهده داشتند، طرحی وسیع برای تجهیز هر چه بیشتر حزب اله تدوین و با پول ملت ایران باجرا در آمد که امروز نتیجه اش را بوضوح می بینیم و هر چقدر هم که آقای شریعتمداری کیهان چاپ تهران در سر مقاله اش انکار کند، همگان میدانند که دست جمهوری اسلام تا آرنج در این منجلاب فرو رفته است. با تجهیز حزب اله از یکطرف و کمکهای بیدریغ به حماس در آنسوی اسرائیل و دست در دست سوریه، دیگر جمهوری اسلامی مطمئن بود که اسرائیل را در محاصره ای قرار داده است که اگر نه در یک جنگ تمام عیار دو ارتش اما در یک سری جنگهای پارتیزانی میتواند لاقلاً زندگی را بر مردم اسرائیل سیاه کند. جمهوری اسلامی با این امید که یک جنگ نابرابر طبعاً سایر ملت های عرب منطقه را بر علیه اسرائیل خواهد شوراند و نهایتاً دست در دست عربهای منطقه دمار از روزگار اسرائیل در خواهد آورد حزب اله را تشویق بعمل نا بخردانه و کاملاً بدون دلیلی کرد که اگر چه که توانست برای چند

روزی نگاه جهانیان را از جنایات داخلی رژیم و ماجراجوییهایش به نقطه ای دیگر معطوف نماید اما بنظر میرسد این حادثه آفرینی سرانجام و در دراز مدت کار رژیم تهران را یکسره کند.

و در این میان پهلوان پنبه ریز اندام و زیاده گوی مانیز حقیقتا امر بر او چنان مشتبه شد که در رویاهایش خود را در لباس نجات دهنده همه انسانها و هموار کننده ورود امام زمان میدید و از آنجائیکه هیچ پاسخی به گستاخیهها و خزعبلات خود نشنید، روز بروز جری تر و لگام گسیخته تر، هر چه بذهن کوچکش رسید گفت. خود شیرینیهای از نوع انکار هولو کاست، پیشنهاد برای انهدام کامل اسرائیل و پاک کردن نقشه این کشور از روی کره زمین و انتقال مردمانش به اروپا و آلاسکا را ابتدا بخیال خود برای خوش آمد عربهای منطقه و سپس برای تفرقه اندازی بین کشورهای اروپائی و بزبان عامیانه، شیر کردن آلمان و محبوب القلوب آلمانیها شدن مرتب تکرار کرد و نتیجه آنرا البته همه میدانیم که به جز عده اندکی از نئونازیست های مطرود در جامعه آلمانی کسی وقعی بر آن نگذاشت که هیچ، بیشتر از همه از طرف خود آلمانیها مورد نکوهش قرار گرفت.

احمدی نژاد در مورد عربها نیز اشتباه محاسبه داشت و نفهمید که دنیای امروز با دنیای ۳۰-۴۰ سال پیش تفاوتهای بسیاری دارد و دیگر کشورهای عربی حاضر نیستند که حتی بخاطر فلسطین آرامش خود را بگرو بگذارند. امروز دیگر بیشتر کشورهای عربی منطقه در یافته اند که دنیائی دیگر است و تدبیری دیگر بکار آید. بسیاری از این ملتها و دولتها دریافته اند که خصومت بین اسرائیل و فلسطینیها به پایان نمی رسد مگر از راه خرد و گفتگو و گذشت. دو جانبه و دیگر قلدردی و تروریست بازی پاسخگو نیست که حتی اکثریت خود فلسطینیان نیز خسته اند و آرزوی آرامش دارند. مضافا اینکه آقای احمدی نژاد فراموش کرد که اکثریت عربهای منطقه اهل سنتند و کمترین اشتیاقی به هم پیمانی با شیعیان و برسمیت شناختن آقای احمدی نژاد و یا آقای خامنه ای بعنوان رهبران جهان اسلام، ندارند. سخنان پرزیدنت مبارک و اینکه ارتش مصرفش از مرزهای کشورش دفاع خواهد کرد و حاضر نیست در هیچ جنگ منطقه ای شرکت داشته باشد، زبان دل اکثر دولتهای منطقه است.

این بی اعتنائی کشورهای اسلامی به هدفهای جمهوری اسلامی و عدم پشتیبانی آنان از حزب اله و حتی شمس احمدی نژاد، این پهلوان پنبه و دون کیشوت از نوع نیمه عرب نیمه ایرانی را شدیداً بر انگیزه است بطوریکه در آخرین سخنان پیش از مسافرتش به تاجیکستان با دادن لقب "بی غیرت" به عربهای منطقه یکبار دیگر آشنا نبودنش را به مقررات بین المللی و فرهنگ کلام بروز داده است. شنود سخنان سایر رهبران جمهوری اسلامی و نامه های سوزناکشان باین کشور و آن دولت و مطالعه مقالات مقاله نویسان موجب بگیر آنان با همه کرکری خوانی هایشان، نشان دهنده و گواه ناامیدی و سرخوردگی شدید جمهوراسلامی از این آخرین آتشی است که در منطقه بر پا کرده است.

اگرچه که فضاوت شتابزده در هر موردی نشانه بی خردی است و اگر چه که بسیار ساده لوحانه است اگر تصور کنیم که جمهوری اسلامی دیگر دست از شرارتها و ماجراجوییهایش بر خواهد داشت اما بنظر میرسد که این بار حسابهای جمهوری اسلامی، لااقل تا امروز در این بحران بخصوص، درست از آب در نیامده باشد.

حال با این تفاسیل از خود می پرسیم که رل ملت ایران در مورد اینهمه ماجراجوئی های رژیم چه میتواند باشد و در حالیکه طبق آخرین آمار یونسکو، ۵ میلیون ایرانی با در آمد روزانه دو دلار در فقر مطلق بسر میبرند، این گشاده بازیهای رژیم را چگونه بایستی توجیه کرد، این ماجراجوییها چه معنایی دارد و بکجا خواهد کشید. چه کسی بجز مردم ایران بایستی باین رژیم بی منطق و خودسر بگوید که مسائل بین اعراب و اسرائیل ربطی بمانند ندارد و کمکهای انسانی نیز بقدر کافی از جیب ملت ایران به جیب دشمنان اسرائیل در همه این سالها سرازیر شده است. جلوی این حکومت خودکامه را تنها ملت ایران میتواند و بایستی بگیرد.

چشمان جهان امروز به خاورمیانه است و هر حرکت اعتراضی به سیاستهای جمهوراسلامی بطور قطع بازتابی جهانی خواهد داشت. بایستی از این موقعیتهای امروز استفاده کرد که فردا بسیار دیر است. بر همه مدعیان سیاست ورزی و رهبری و تشکیل دهندگان سمینارها و کنگره ها و نشست های سیاسی است که یکبار، فقط یکبار از خواسته های شخصی و ایدئولوژیکی خود بگذرند و فقط یکبار تنها بایران وبه سر نوشت احیانا دردناک آتی آن بیندیشند.

زمان تنگ است و این فقط مانعیم که میتوانیم چرخش حوادث در منطقه را بسمت و سوی آزادی و وطنمان و هم وطنانمان بحرکت در آوریم. پیش از آنکه دیر شده باشد و پیش از آنکه ناگزیر بسرنوشت غم انگیز دیگری محکوم شویم بیائید باهم متحد شویم.
